

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته برنامه ریزی درسی**

عنوان

بررسی فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد
یادگیری مادام العمر

استاد راهنما:

دکتر عباسی

استاد مشاور:

دکتر نوه ابراهیم

دانشجو:

فاطمه برزگر

آذرماه ۹۱

این پژوهش در صدد است تا به بررسی فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام العمر بپردازد. بدین منظور، هفت سؤال اصلی مورد بررسی قرار گرفته است. برای یافتن پاسخ سؤالات، از روش تحقیق آمیخته‌ی اکتشافی (کیفی - کمی) استفاده شد. در مرحله‌ی کیفی، ابتدا با مرور نظام‌مند منابع علمی کتابخانه‌ای و الکترونیکی و نیز تحلیل موضوعی محتوای مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته با ۱۲ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران که با شیوه‌ی نمونه - گیری غیر احتمالی هدفمند گلوله برفی انتخاب گردیدند، چگونگی مؤلفه‌های فرآیند آموزش (ویژگیهای راهبردهای یاددهی - یادگیری، نقش مدرس، نقش فراگیر، ویژگیهای منابع و ابزارهای اطلاعاتی، ویژگیهای تعاملات میان مدرس و فراگیر، و ویژگیهای تعاملات میان فراگیران و شیوه‌های ارزشیابی) با توجه به یادگیری مادام‌العمر شناسایی و تبیین شد. سپس پرسشنامه‌ی پاسخ بسته با ۶۱ گویه و ضریب آلفای (۰/۸۹) در مقیاس پنج سنجهای لیکرت، بر اساس مبانی نظری و کتابخانه‌ای و نیز تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، تهیه گردید. اعتبار پرسشنامه به تأیید استاد راهنما و مشاور و سه نفر دیگر از اعضای هیأت علمی قرار گرفت. در ادامه، به منظور اعتبار بخشی به داده‌های حاصل از مرحله‌ی اول، پرسشنامه در اختیار ۵۰ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران که با موضوع یادگیری مادام‌العمر آشنا بودند، قرار گرفت و اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از روش آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون آماری خیدو و فریدمن) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد تغییر در مؤلفه‌های فرآیند آموزش به منظور تربیت دانشجوی یادگیرنده‌ی مادام‌العمر ضروری است. راهبردهای یاددهی - یادگیری باید توانایی تفکر و خلاقیت، مهارت یادگیری خودراهبر، توانایی حل مسأله و روحیه‌ی کاوشگری را در دانشجویان پرورش دهد. استاد باید راهنما و تسهیلگر باشد و نه انتقال دهنده‌ی دانش و اطلاعات. در چارچوب یادگیری مادام‌العمر دانشجو باید به جای دریافت کننده‌ی دانش، سازنده و آفریننده‌ی دانش باشد و در فرآیند آموزش باید از طیف وسیعی از ابزارها و منابع اطلاعاتی استفاده نمود و این ابزارها و منابع باید از قابلیت دسترسی گسترده برخوردار باشند. تعامل میان استاد و دانشجو باید دوستانه بوده و به فضای کلاس درس محدود نشوند. همچنین، تعاملات میان فراگیران باید دوستانه و همدلانه باشد. در رویکرد یادگیری مادام‌العمر، به منظور ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، باید از روشهایی استفاده کرد که دانشجویان را به سمت یادگیری عمیق سوق داده و قادر به اندازگیری مهارتهای شناختی سطح بالا است. آزمونهای تشریحی، آزمونهای شفاهی، پوشه‌ی کار، آزمون های عملکردی از جمله این روشها هستند.

کلید واژگان: فرآیند آموزش، مراکز آموزش عالی، یادگیری مادام‌العمر

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

..... ۱	۱-۱ مقدمه
..... ۲	۱-۲ بیان مسئله
..... ۶	۱-۳ اهداف تحقیق
..... ۶	۱-۳-۱ هدف کلی تحقیق
..... ۶	۱-۳-۲ اهداف جزئی تحقیق
..... ۷	۱-۴ سؤالات تحقیق
..... ۷	۱-۴-۱ سؤال کلی تحقیق
..... ۷	۱-۴-۲ سؤالات جزئی تحقیق.
..... ۷	۱-۵ ضرورت تحقیق.....
..... ۹	۱-۶ تعریف اصطلاحات نظری و عملیاتی.....

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

..... ۱۰	۲-۱ مقدمه.
..... ۱۰	۲-۲ بخش اول: مبانی نظری یادگیری مادام العمر
..... ۱۰	۲-۲-۱ تعاریف و بنیان مفهومی یادگیری مادام العمر
..... ۱۲	۲-۲-۲ ریشه و سیر تاریخی یادگیری مادام العمر
..... ۱۵	۲-۲-۳ ضرورت یادگیری مادام العمر
..... ۱۵	۲-۲-۳-۱ سرعت و مداومت تغییر در زمینه های مختلف
..... ۱۶	۲-۲-۳-۲ تحول در جمعیت
..... ۱۷	۲-۲-۳-۳ مهاجرت
..... ۱۷	۲-۲-۳-۴ تغییر در مشاغل
..... ۱۷	۲-۲-۳-۵ ظهور جامعه دانش
..... ۱۸	۲-۲-۳-۶ تکامل معلومات علمی و تکنولوژی
..... ۱۸	۲-۲-۴ خصوصیات یادگیری مادام العمر
..... ۲۰	۲-۲-۵ اهداف اساسی یادگیری مادام العمر
..... ۲۱	۲-۲-۶ رویکردهای یادگیری مادام العمر
..... ۲۱	۲-۲-۶-۱ رویکرد چهار ستونی
..... ۲۲	۲-۲-۶-۲ رویکرد کمیته اروپایی به ستون های یادگیری مادام العمر
..... ۲۳	۲-۲-۶-۳ رویکرد اجزاء و ابعاد یادگیری مادام العمر
..... ۲۴	۲-۲-۶-۴ رویکرد شاخصه های کیفیت یادگیری مادام العمر
..... ۲۴	۲-۲-۷ مدل یادگیری مادام العمر
..... ۲۸	۲-۲-۸ تعهدات ارزشی در یادگیری مادام العمر
..... ۲۹	۲-۲-۹ ویژگی های یادگیرنده مادام العمر

..... ۳۱	۲-۲-۱۰ دانش، مهارت ها و نگرشهای مورد نیاز برای یادگیری مادام العمر
..... ۳۳	۲-۳ بخش دوم: آموزش عالی در قلمرو یادگیری مادام العمر
..... ۳۳	۲-۳-۱ تاریخچه و سیر تحول دانشگاه
..... ۳۴	۲-۳-۲ اهداف و رسالت های آموزش عالی
..... ۳۶	۲-۳-۳ نقش آموزش عالی و دانشگاه در یادگیری مادام العمر
..... ۳۸	۲-۳-۴ یادگیری مادام العمر و رسالت دانشگاه و آموزش عالی
..... ۴۰	۲-۳-۵ ویژگی های یک مؤسسه آموزش عالی یادگیری مادام العمر
..... ۴۲	۲-۴ بخش سوم: برنامه ریزی درسی در آموزش عالی با رویکرد یادگیری مادام العمر
..... ۴۲	۲-۴-۱ درآمدی بر تعریف برنامه درسی در آموزش عالی
..... ۴۳	۲-۴-۲ عناصر برنامه درسی
..... ۴۴	۲-۴-۳ تعریف آموزش
..... ۴۵	۲-۴-۴ تعریف تدریس
..... ۴۶	۲-۴-۵ تفاوت آموزش با تدریس
..... ۴۷	۲-۴-۶ نظریه های مربوط به رابطه برنامه درسی و آموزش
..... ۴۷	۲-۴-۶-۱ نظریه تمایزی
..... ۴۷	۲-۴-۶-۲ نظریه تداخلی
..... ۴۸	۲-۴-۶-۳ نظریه همپوشانی کامل
..... ۴۸	۲-۴-۷ چگونگی مؤلفه های فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر
..... ۴۹	۲-۴-۷-۱ ویژگی های راهبردهای یاددهی - یادگیری
..... ۵۳	۲-۴-۷-۲ نقش استاد
..... ۵۶	۲-۴-۷-۳ نقش دانشجو
..... ۵۷	۲-۴-۷-۴ منابع و ابزارهای آموزشی
..... ۵۸	۲-۴-۷-۴-۱ آموزش و یادگیری با کمک منابع و ابزارهای سنتی
..... ۵۸	۲-۴-۷-۴-۲ آموزش و یادگیری با کمک منابع و ابزارهای مدرن
..... ۵۹	۲-۴-۷-۵ تعاملات میان گروهی
..... ۶۰	۲-۴-۷-۵-۱ تعاملات استاد - دانشجو
..... ۶۱	۲-۴-۷-۵-۲ تعاملات دانشجو - دانشجو
..... ۶۳	۲-۴-۷-۶ ارزیابی پیشرفت تحصیلی
..... ۶۸	۲-۵ بخش چهارم: پیشینه پژوهشی
..... ۶۸	۲-۵-۱ پیشینه پژوهش داخلی
..... ۷۲	۲-۵-۲ پیشینه پژوهش خارجی
..... ۷۹	فصل سوم: روش شناسی تحقیق
..... ۷۹	۳-۱ مقدمه
..... 79	3-2 روش انجام تحقیق

.....	۳-۳ جامعه آماری	۷۹
.....	۳-۴ روش نمونه گیری و حجم نمونه	۸۰
.....	۳-۴-۱ روش نمونه گیری و حجم نمونه در مرحله کیفی	۸۰
.....	۳-۴-۲ روش نمونه گیری و حجم نمونه در مرحله کمی	۸۰
.....	۳-۵ روش و ابزار جمع آوری اطلاعات	۸۱
.....	۳-۵-۱ روش و ابزار جمع آوری اطلاعات در مرحله کیفی	۸۱
.....	۳-۵-۲ روش و ابزار جمع آوری اطلاعات در مرحله کمی	۸۱
.....	۳-۶ روایی و پایایی ابزار اندازه گیری	۸۱
.....	۳-۶-۱ روایی و پایایی ابزار اندازه گیری در مرحله کیفی	۸۱
.....	۳-۶-۲ روایی و پایایی ابزار اندازه گیری در مرحله کمی	۸۲
.....	۳-۷ فرآیند جمع آوری داده ها	۸۲
.....	۳-۷-۱ فرآیند جمع آوری داده ها در مرحله کیفی	۸۲
.....	۳-۷-۲ فرآیند جمع آوری داده ها در مرحله کمی	۸۳
.....	۳-۸ شیوه تجزیه و تحلیل داده ها	۸۳
.....	۳-۸-۱ شیوه تجزیه و تحلیل داده ها در مرحله کیفی	۸۳
.....	۳-۸-۲ شیوه تجزیه و تحلیل داده ها در مرحله کمی	۸۴
.....	فصل چهارم: یافته های تحقیق	۸۵
.....	۴-۱ مقدمه	۸۵
.....	۴-۲ تحلیل کیفی	۸۵
.....	پاسخ به سؤال اول پژوهش	۸۵
.....	پاسخ به سؤال دوم پژوهش	۹۱
.....	پاسخ به سؤال سوم پژوهش	۹۶
.....	پاسخ به سؤال چهارم پژوهش	۹۹
.....	پاسخ به سؤال پنجم پژوهش	۱۰۲
.....	پاسخ به سؤال ششم پژوهش	۱۰۵
.....	پاسخ به سؤال هفتم پژوهش	۱۰۷
.....	۴-۳ تحلیل های کمی	۱۱۲
.....	الف: تحلیل توصیفی	۱۱۲
.....	پاسخ به سؤال اول پژوهش	۱۱۲
.....	پاسخ به سؤال دوم پژوهش	۱۱۳
.....	پاسخ به سؤال سوم پژوهش	۱۱۴
.....	پاسخ به سؤال چهارم پژوهش	۱۱۵
.....	پاسخ به سؤال پنجم پژوهش	۱۱۶
.....	پاسخ به سؤال ششم پژوهش	۱۱۷

..... ۱.۱۸	پاسخ به سؤال هفتم پژوهش
..... ۱.۱۹	ب: تحلیل‌های استنباطی
..... ۱.۱۹	پاسخ به سؤال اول پژوهش
..... ۱.۱۹	پاسخ به سؤال دوم پژوهش
..... ۱.۲۰	پاسخ به سؤال سوم پژوهش
..... ۱.۲۰	پاسخ به سؤال چهارم پژوهش
..... ۱.۲۱	پاسخ به سؤال پنجم پژوهش
..... ۱.۲۱	پاسخ به سؤال ششم پژوهش
..... ۱.۲۲	پاسخ به سؤال هفتم پژوهش
..... ۱.۲۲	اولویت بندی گویه‌های سؤال اول پژوهش
..... ۱.۲۳	اولویت بندی گویه‌های سؤال دوم پژوهش
..... ۱.۲۳	اولویت بندی گویه‌های سؤال سوم پژوهش
..... ۱.۲۴	اولویت بندی گویه‌های سؤال چهارم پژوهش
..... ۱.۲۵	اولویت بندی گویه‌های سؤال پنجم پژوهش
..... ۱.۲۶	اولویت بندی گویه‌های سؤال هفتم پژوهش
..... ۱.۲۷	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات:
..... ۱.۲۷	۵-۱ مقدمه
..... ۱.۲۷	پاسخ به سؤال اول پژوهش
..... ۱.۲۹	پاسخ به سؤال دوم پژوهش
..... ۱.۳۱	پاسخ به سؤال سوم پژوهش
..... ۱.۳۳	پاسخ به سؤال چهارم پژوهش
..... ۱.۳۶	پاسخ به سؤال پنجم پژوهش
..... ۱.۳۷	پاسخ به سؤال ششم پژوهش
..... ۱.۳۸	پاسخ به سؤال هفتم پژوهش
..... ۱.۴۱	۵-۲ پیشنهادات کاربردی
..... ۱.۴۲	۵-۳ محدودیت های تحقیق
..... ۱.۴۲	۵-۴ پیشنهادات پژوهش
..... ۱.۴۴	منابع فارسی
..... ۱.۵۱	منابع انگلیسی
..... ۱۵۶	ضمایم
..... ۱۵۶	پرسشنامه

فهرست جداول

- جدول شماره (۱-۲). تعریف یونسکو از چهار ستون یادگیری مادام العمر..... ۲۲
- جدول شماره (۲-۲). شاخص های ستون های یادگیری مادام العمر مدل اروپایی..... ۲۲
- جدول شماره (۳-۲). اجزاء یادگیری مادام العمر..... ۲۳
- جدول شماره (۴-۲). تفاوت مدل یادگیری مادام العمر با مدل سنتی..... ۲۵
- جدول شماره (۵-۲). مقایسه مدل یادگیری مادام العمر و یادگیری سنتی..... ۲۵
- جدول شماره (۶-۲). کثرت تکرار هر یک از عناصر برنامه درسی در ۲۱ تعریف..... ۴۳
- جدول شماره (۷-۲). تغییر نقش استاد از وضع موجود به وضع مطلوب..... ۵۴
- جدول شماره (۸-۲). تغییر نقش دانشجو از وضع موجود به وضع مطلوب..... ۵۸
- جدول شماره (۹-۲). تفاوت بین شیوه های ارزیابی در مدل یادگیری مادام العمر و مدل سنتی..... ۶۸
- جدول شماره (۱-۴) توزیع فراوانی ویژگی های راهبردهای یاددهی یادگیری در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۱۲
- جدول شماره (۲-۴) توزیع فراوانی نقش مدرس در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۱۳
- جدول شماره (۳-۴) توزیع فراوانی نقش فراگیر در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۱۴
- جدول شماره (۴-۴) توزیع فراوانی ویژگیهای منابع اطلاعاتی در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۱۵
- جدول شماره (۵-۴) توزیع فراوانی ویژگی های تعامل بین مدرس و فراگیر در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۱۶
- جدول شماره (۶-۴) توزیع فراوانی ویژگیهای تعامل بین فراگیران با یکدیگر در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۱۷
- جدول شماره (۷-۴) توزیع فراوانی شیوه های ارزشیابی در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۱۸
- جدول شماره (۸-۴) بررسی ویژگیهای راهبردهای یاددهی - یادگیری در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۱۹
- جدول شماره (۹-۴) بررسی نقش مدرس در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۱۹
- جدول شماره (۱۰-۴) بررسی نقش فراگیر در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۲۰
- جدول شماره (۱۱-۴) بررسی ویژگی های منابع اطلاعاتی در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۲۰
- جدول شماره (۱۲-۴) بررسی ویژگی های تعاملات بین مدرس و فراگیر در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۲۱

- جدول شماره (۴-۱۳) بررسی ویژگی های تعاملات بین مدرس و فراگیر در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادامالعمر از نظر متخصصان و صاحب نظران ۱۲۱.
- جدول شماره (۴-۱۴) بررسی شیوه های ارزشیابی در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادامالعمر از نظر متخصصان و صاحب نظران..... ۱۲۲.
- جدول شماره (۴-۱۵) اولویت بندی گویه های ویژگیهای راهبردهای یاددهی - یادگیری در فرآیند آموزش با توجه به یادگیری مادام العمر..... ۱۲۲.
- جدول شماره (۴-۱۶) اولویت بندی گویه های مربوط به نقش مدرس در فرایند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر..... ۱۲۳.
- جدول شماره (۴-۱۷) اولویت بندی گویه های مربوط به نقش فراگیر در فرایند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر..... ۱۲۳.
- جدول شماره (۴-۱۸). اولویت بندی گویه های ویژگیهای منابع اطلاعاتی در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر..... ۱۲۴.
- جدول شماره (۴-۱۹) اولویت بندی گویه های ویژگیهای تعاملات میان مدرس و فراگیر در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر..... ۱۲۵.
- جدول شماره (۴-۲۰) اولویت بندی گویه های مربوط به روشهای ارزیابی در فرآیند آموزش در چارچوب یادگیری مادام العمر..... ۱۲۶.

تقدیم

برادر عزیزم

بر دست والای او، که بزرگواریش تکیه‌گاهم شد تا ایستادن را بیاموزم و مهرش بی‌ریا و عشقش سودنی است. خدایا تو انعم ده تا قطره‌های از دریای یکران محبتش را پاس گویم.

بر مهربان مادرم

نازنینی که سرچشمه بی‌ریای مهربانی و از خودگذشتگی است، او که با صبر، پایداری، گذشت و فداکاری چگونه زندگی کردن و ایستادگی در مگنای زندگی را به من آموخت. لحظه لحظه

زندگی ام شمره اثار اوست.

نازنین خواهانم، شیرین خواهانم، مهربان خواهانم که همواره جایتهای بی‌دریشان پشتوانه من بود در رسیدن به آن چو بدان می‌اندیشم.

برادر عزیزم که در تمام مراحل تحصیلی مشوق و حامی من بود.

و به آنانی که اندیشه‌ها پروریدند و اندیشه‌ها گسترانیدند.

صعود کلام نکو سوی اوست

اگر روی اعمال به سوی اوست

پاس و منت یکران خداوندی را سزا است که با الطاف بی منتهای خویش، نفس به نفس یاری کرد تا گام به گام، کارها پیش رود که بی نام، یاد یاری او بیچ کلیدی را کشتا نموده

و بیچ را بی منتهای و فرجام نخواهد داشت.

با تقدیر بی پیمان از

استاداناره کوی نذر گفتار، استاد ارجمندم سرکار خانم دکتر عباسی که علم خویش را به زیور اخلاق و تواضع آراسته؛ خرندم از این توفیق که مجالی پیش آمد تا سر کلاس ایشان زنتها

درس قیل و قال مدرسه، که درس زندگی، صبر و بردباری را بیاموزم. این پژوهش، بهما و کمال خود را وام دار فضل این بزرگوار است. به خود می بالم که در این مدت هر چند اندک اما

به اندازه توان خویش از دیبای علم و اخلاق ایشان بهره مند شدم.

مشاور ارجمند جناب آقای دکتر نوره ابراهیم که اینجانب را از مشورت های بدرانه خود بهره مند ساختند.

همچنین بر خود لازم می دانم از جناب آقای دکتر صفائی موصد که داوری پیمان نامه را قبول نمودند، سپاسگزاری نمایم.

فصل اول

عشق به یادگیری موهبتی است که خداوند در وجود انسان به ودیعه نهاده و به واسطه‌ی آن، او را بر سایر موجودات برتری بخشیده است. قابلیت یادگیری، همواره در طول تاریخ وجود داشته و یادگیری در مفهوم عام خود همزاد انسان است. اما در گذشته نیاز کمتری نسبت به آن احساس میشد (جارویس^۱، ترجمه‌ی سرمد، ۱۳۸۷). همانگونه که تافلر^۲ بیان میکند: «در عصری که جامعه به نحوی بنیادین ساکن و راکد بود و تحول در آن چیزی جز استمرار و تکرار نبود؛ انسان با نیازهای یادگیری محدودی روبرو بود. در چنین جامعه‌ی، عاقلانه‌ترین راه برای آماده کردن نوجوانان و جوانان برای زندگی، آن بود که او را به دانش و مهارتهای گذشته مجهز سازند؛ زیرا آنها دقیقاً چیزهایی بودند که وی در آینده به آنها نیاز داشت» (ترجمه‌ی کامرانی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۲). «دنیای امروز، دنیای تحولات و تغییرات مداوم است. این تغییرات از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و علمی - فناورانه در ماهیت و فرآیندش چنان بارز است که در گذشته هرگز تجربه نشده است» (افضل نیا، ۱۳۸۶، ص ۲). افراد با جهانی روبرو هستند که در آن دانش فنی هر پنج سال دو برابر میشود؛ شبکه ساختار اجتماعی دائماً تغییر مییابد؛ شغل‌های ثابت رو به نقصان میگذارند؛ و شرایط کار و توانایی حرفهای روز به روز جدید میشود (بلاسی^۳، ترجمه‌ی قاسمی، ۱۳۸۰). کسی نمیتواند انتظار داشته باشد که در دوران جوانی سرمایه‌های علمی کسب کند و در تمام طول عمر بتواند از آن سرمایه بهره بگیرد. اگر تلبار کردن اطلاعات (شاید به علت کند بودن تغییرات در محتوا و شکل آنها در گذشته) میتوانست ملاک خوبی برای استفاده از آنها طی یک دوره از زندگی و حداقل یک نسل باشد و مفید واقع شود؛ امروزه دیگر چنین امری ممکن به نظر نمیرسد. دکتربین دیجیتال‌یسم و سرعت‌های به دست آمده از فناوری با سرعت‌های نانو و پیکو، ایجاب میکند که همراه هر تغییری که در بطن زندگی روی میدهد، بتوانیم خود را هم زمان و با آن تطبیق دهیم. در غیر اینصورت، برخورد با دنیای متحول و پویای امروزی را بسیار دشوار میسازد. از این رو، میتوان نظر یونسکو^۴ (۱۳۷۶) را پذیرفت؛ مبنی بر اینکه، در هزاره‌ی سوم، یادگیری مداوم اساس بقاء بوده و روزآمد کردن دانش و اطلاعات از نیازهای ضروری و جزء لاینفک زندگی هر فرد در عصر کنونی محسوب میشود. بدین ترتیب، ما به قرنی پا گذاشته‌ایم که صاحب‌نظران با توجه به ویژگیهای خاصش، آن را "قرن یادگیری" نامیده‌اند؛ زیرا این قرن، از نیاز همهی شهروندان به یادگیرنده‌ی مادام‌العمر شدن، حمایت میکند (وست^۵، ۲۰۰۶). این نیاز، بر اثر فرآیند جهانی شدن و رشد سریع نوآوریها تشدید میگردد (کاشانی، ۱۳۸۹). اگرچه، مفهوم یادگیری مادام‌العمر^۶، ایده‌ی جدیدی نیست؛ اما امروزه اغلب صاحب‌نظران بر ایده‌ی نهفته در آن، یعنی توسعه‌ی مادام‌العمر استعداد انسان توجه دارند. از این دیدگاه، یادگیری مادام‌العمر میتواند افق‌های گسترده‌تری را فراهم کند، تا انسان بتواند پیوسته به رشد و توسعه‌ی دانش، مهارتها و شایستگیهای خود در

1-Jarvis

2-Tafler

3- Blasi

4-Unesco

5-West -

6-Life long Learning

سراسر زندگی برای سازگاری با شرایط پیوسته در حال تغییر، ادامه دهد. از آن جا که، قسمت اعظم دانش، مهارت و نگرشهای مورد نیاز یادگیری مادامالعمر، از طریق نظام آموزشی کسب میشود؛ یادگیری مادامالعمر، باید به عنوان یک موضوع حیاتی مورد توجه نظامهای آموزشی قرار گیرد (واگنر^۱، ترجمهی محمدی وقادری، ۱۳۸۰). در میان مقاطع آموزشی، بنا به گفتهی ایکسیازهو^۲ (۲۰۰۱) آموزش عالی، به عنوان مهمترین منبع و محل تولید علم و تکنولوژی، میتواند نقش مهمی در تحقق و گسترش یادگیری مادامالعمر ایفاء کند؛ چرا که از توانایی بالقوهی وسیعی برای توسعهی یک دیدگاه جدید دربارهی آموزش و یادگیری، استاد و دانشجو، گسترش دورهها و برنامهها، جایگزینی روشهای تدریس و غیره برخوردار است. به همین دلیل، بسیاری از مسئولین این نظامها در صدد برآمدهاند تا در جستجویی خط مشیها و شیوههایی برآیند که از طریق آنها بتوانند بستر و زمینههای لازم را جهت تحقق این ایده و پرورش یادگیرندگان مادامالعمر فراهم نمایند. کندی^۳ و همکاران (۱۹۹۵، ص ۲۱۱) معتقدند: «دانشگاهها جهت تحقق مأموریت خود در این زمینه، میتوانند از دو شیوه استفاده کنند: اول: فراهم آوردن فرصتهای یادگیری در طول زندگی به شکلهای مختلف در زمینههای وابسته به دانشگاه؛ دوم: کمک کردن به اعضای هیأت علمی، دانشجویان و دانشآموختگان؛ تا دانش، مهارتها و نگرشهای مربوط به یادگیری مادامالعمر را کسب کنند». ایجاد نظامهای آموزشی پاره وقت، آموزش از راه دور، آموزشهای مداوم شغلی، و دانشگاههای مجازی از جمله کارهایی است که اغلب دانشگاهها در رابطه با شیوهی اول شروع نمودهاند. دستهی دیگر، فعالیتهایی است که دانشگاهها، در رابطه با شیوهی دوم برای ایجاد تغییر در خطمشیهای اجرایی، مدیریتی، مالی و برنامههای درسی مؤسسات آموزشی فعلی شروع کردهاند. اغلب دانشگاهها، هنگام بیان مقاصد خود، یادگیری مادامالعمر را محور اصلی سیاستهای خود قرار داده و پرورش یادگیرندهی مادامالعمر^۴ را یکی از وظایف و رسالتهای خود در شرایط حاضر قلمداد میکنند (کناپر و کروپلی^۵، ۲۰۰۰). آنها به جستجوی شیوههایی برآمدهاند که از طریق آنها، دانشجویان خود را به دانش، مهارت و نگرشهای مورد نیاز برای تداوم یادگیری مجهز نمایند؛ زیرا دانشجویان، نه تنها بخش اصلی متخصصان زمینههای گوناگون علمی، فنی و هنری هر جامعه را تشکیل میدهند؛ بلکه این گروه، مدیران و رهبران فکری و سیاسی در آینده کشور و نیز رهبران سایر اقشار جامعه در هدایت به سمت کمال و تحقق اهداف جامعه میباشند (کندی، ترجمهی دولتشاهی، ۱۳۷۵). لذا، با تجهیز ایشان به دانش، مهارت و تواناییهای مورد نیاز برای عصر تغییر، می توان موجبات رشد و توسعهی جامعه در تمامی ابعاد را فراهم کرد و جامعه را به سوی آیندهای امید بخش رهنمون ساخت. این امر میتواند توجیه کنندهی لزوم توجه به یادگیری مادامالعمر در تعلیم و تربیت بهویژه آموزش عالی باشد.

۱-۲ بیان مسأله

1- Wagner

2-Xiaozho

3-Candy

4-Lifelong Learner

5-Knapper& Cropley

جوامع بشری در حالی به قرن بیستویکم پا گذاشته‌اند که تغییر و تحولات سریع جهانی تمام ابعاد زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. این تحولات و دگرگونیها از یک سو، پدیدههایی مانند اقتصاد جهانی و پیشرفتهای سریع در فناوری اطلاعات و ارتباطات را در پی داشته است، و از سوی دیگر، موجب به وجود آمدن مشکلاتی از قبیل فقر، بیکاری، تغییر در ارزشها و الگوهای زندگی، تغییر در مشاغل و محیطهای کار، پیدایش مشاغل جدید و نیاز به آموزش مجدد و در نهایت کهنه و منسوخ شدن سریع دانش و اطلاعات شده است (کریمی و همکاران، ۱۳۸۷، د). «این شرایط بیانگر آن است که دیگر نمیتوان با تکیه بر تصورات، شیوهها و راهبردهای از پیش تعیین شده به مقابله با این مشکلات پرداخت. در نتیجه، افراد در تمامی سطوح نیازمند افزایش قابلیت سازگاری خلاقانه برای ریشهکنی مشکلات و به نیازهای دائماً در حال تغییر در سراسر دوران زندگی هستند» (کسائیان و عمادزاده، ۱۳۸۵، ص ۸۵). انسان نمیتواند به این نیاز پاسخ دهد، مگر آنکه در جهت کسب و به روز درآوردن دانش و تواناییهایش به طور مداوم تلاش کند و یک یادگیرندهی مادامالعمر باشد (وست، ۲۰۰۶). اگرچه در طول تاریخ همواره این بحث وجود داشته که افراد باید در سراسر عمر خود در حال یادگیری باشند؛ اما در عصر حاضر با مشخصههای ذکر شده، بار دیگر ایدهی یادگیری مادامالعمر مورد حمایت جدی قرار گرفته است.

امروزه در قرن بیستویکم، کنفرانسهای بینالمللی متعددی دربارهی اهمیت یادگیری مادامالعمر برگزار میشود که به وضوح حکایت از آن دارد که زمینهی یادگیری مادامالعمر تغییر یافته است (واترستون^۱، ۲۰۰۱). به طوریکه از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ میلادی، یونسکو اقدام به برگزاری چهار کنفرانس بینالمللی چهلوهشت در آموزش و پرورش (نوامبر ۲۰۰۸)، آموزش عالی (ژوئیه ۲۰۰۹)، آموزش و پرورش برای توسعهی پایدار (مارس ۲۰۰۹) و آموزش بزرگسالان (دسامبر ۲۰۰۹) با محوریت یادگیری مادامالعمر نموده است. قبل از آن نیز کنفرانسهای دیگری در حمایت از یادگیری مادامالعمر برگزار شد. برای مثال، میتوان به کنفرانس جهانی یونسکو در مورد آموزش برای همه (۱۹۹۰، جامتین تایلند) کنفرانس یادگیری مادامالعمر (۱۹۹۴، کانادا) و اجلاس جهانی ۲۰۰۰، اشاره کرد که همگی آنها پیگیری نظری و پژوهشی این ایده را خواستار شدند.

در سطح جهانی، صاحبان نظران یادگیری مادامالعمر را مفهوم پیچیده و چند منظورهی میدانند که مفاهیم گوناگونی را میتوان از آن استنباط نمود. عدهای معتقدند این ایده از طریق پرورش نیروی کار با کیفیت موجبات رشد اقتصادی را فراهم می کند. عدهای فواید اجتماعی آن را مدنظر قرار میدهند و معتقدند یادگیری مادامالعمر موجب پرورش شهروندانی فعال و یکپارچگی اجتماعی و در نتیجه توسعهی اجتماعی میشود و عدهای دیگر، بر رشد و توسعهی قابلیتهای افراد، احساس رضایت خاطر و در نتیجه توسعهی فردی حاصل از آن توجه نمودهاند. اما در معنای گسترده، یادگیری مادامالعمر فرآیندی چند بعدی تصور میشود که علاوه بر منافع اقتصادی و اجتماعی، موجب رشد و توسعهی شخصی نیز میشود (مارکس^۲، ۲۰۱۰). در اولین کنفرانس جهانی یادگیری مادامالعمر که در سال ۱۹۹۴ برگزار شد، تعریف جامعی از این مفهوم به شرح زیر ارائه گردید:

¹ Watterston

2- Marks

«یادگیری مادام‌العمر یک فرآیند حمایتی مداوم است که افراد را برای کسب دانش، مهارت‌ها، ارزشها و ادراک‌هایی برمی‌انگیزد و قادر می‌سازد تا آنان بخواهند در سراسر دوران زندگیشان، این ویژگیها را به‌دست آورند و با اعتماد به نفس، خلاقیت و لذت در تمام نقشها، شرایط و محیطها آنها را به‌کار گیرند» (به نقل از واترستون، ۲۰۰۱، ص ۳).

ایده‌ی نهفته در این واژه آن است که یادگیری تنها در درون مؤسسات سنتی محدود نمی‌شود، بلکه یادگیری در تمام موقعیت‌های رسمی و غیررسمی روی می‌دهد. همانگونه که در گزارش کمیته‌ی آسیایی - اروپایی یادگیری مادام‌العمر^۱ (۲۰۰۲) آمده است: «این دیدگاه بر این درک مبتنی است که یادگیری رسمی عمدتاً در مراکز آموزشی و حرفه‌آموزی ایجاد شده و منجر به کسب مدرک می‌شود؛ اما یادگیری غیر رسمی در محل کار و از طریق یادگیری‌های فراهم شده توسط سایر مؤسسات روی می‌دهد و یادگیری ضمنی از طریق فعالیت‌های روزانه حاصل می‌شود». به اعتقاد یونسکو (۱۳۷۶) تحقق این ایده دور از ذهن نیست. تحقق این ایده مستلزم فراهم آوردن آنگونه آموزشی است که در یک معنای وسیع، تمام آموزش‌های رسمی، غیررسمی را شامل گردد. مطابق عقیده‌ی یونسکو (۱۳۷۶) این نوع نظام آموزشی باید چهار اصل یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای زیستن و یادگیری برای بودن را هدف خود قرار دهد. «مشارکت نظام آموزش رسمی جهت تحقق یادگیری مادام‌العمر و دستیابی به هدف پرورش یادگیرنده‌ی مادام‌العمر امری ضروری است. در میان مقاطع آموزشی، آموزش عالی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به دلیل نقشی که آموزش عالی در تولید و نشر دانش، تکنولوژی و توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی دارد، به عنوان نقطه‌ی کانونی یادگیری مادام‌العمر شناخته شده است» (ایکسیازهو، ۲۰۰۰، ص ۱۲). علیرغم ارزش و اهمیت آموزش عالی در عرصه‌ی یادگیری مادام‌العمر، این نظام در شکل کنونی قادر به انجام تعهدات خود در این زمینه نمی‌باشد. به همین دلیل، تغییر در نظام آموزش عالی به نحوی که بتواند پاسخگوی نیازهای یادگیری مادام‌العمر باشد، ضرورتی اجتنابناپذیر است (کریمی، ۱۳۸۲). آموزش عالی از مؤلفه‌های گوناگونی تشکیل شده است که یکی از مهمترین آنها، فرآیند آموزش است. «آموزش معمولاً و نه الزاماً، اجرای برنامه درسی است که با دخالت تدریس از نظر کنش متقابل معلم- دانش‌آموز در یک موقعیت تربیتی انجام می‌شود» (سیلور و همکاران، ترجمه‌ی خوبی نژاد، ۱۳۷۷، ص ۴۱۲). اگر آموزش نباشد، دلیلی بر طرح برنامه درسی وجود ندارد و بدون یک طرح برنامه درسی، آموزش مؤثر وجود نخواهد داشت (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). در زمینه‌ی رابطه‌ی برنامه‌ی درسی و آموزش، دیدگاه تداخلی مورد نظر می‌باشد. «بر اساس این دیدگاه، برنامه‌ی درسی و تدریس را نمیتوان جدا از هم در نظر گرفت. این دو با هم تعامل و تداخل دارند. طرفداران این دیدگاه معتقدند بهترین طرحها، حتی اگر به بهترین نحو هم تدوین شده باشند، ممکن است در مرحله‌ی عمل به دلیل شیوه‌ی اجرایی نادرست، با شکست مواجه شوند. به همین دلیل، برنامه ریز پس از مشخص کردن اهداف برنامه و محتوای آن، به مقوله‌های به نام تدریس می‌پردازد. اش^۲، تابا^۳، آیزنر^۴ از جمله صاحب-نظرانی هستند که تدریس را جزء برنامه‌ی درسی در نظر می‌گیرند» (همان منبع، ص ۲۱۲). صاحب‌نظران آموزش را به عنوان

1 -Asia- Europe Metting Lifelong Learning

2- Eash
3- Taba
4-Eisene

فرآیندی در نظر میگیرند که از مؤلفههایی تشکیل شده است (خورشیدی، ۱۳۸۷). برخی از این مؤلفهها که مد نظر این تحقیق نیز میباشند عبارت است از:

- ۱- راهبردهای یاددهی - یادگیری: «به مجموعه تدابیر منظمی که مدرس برای رسیدن به هدف با توجه به شرایط و امکانات اتخاذ میکند، راهبردهای یاددهی - یادگیری میگویند» (شعبانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱، ب).
 - ۲- نقش مدرس: «بخش اعظم یادگیری فراگیران را باید در آنچه در محیط یادگیری به منصفی ظهور میرسد، جستجو کرد. در این صورت، مؤثرترین مؤلفهی نظام تعلیم و تربیت، مدرس میباشد که عملکرد و سلوک او بیش از هر چیز در راهبردهای یاددهی - یادگیری به منصفی ظهور میرسد» (مهرمحمدی، ۱۳۷۹، ص ۹۰، ب).
 - ۳- نقش فراگیر: فراگیر در کانون فرآیند آموزش قرار دارد. نقش فراگیر در فرآیند آموزش، به راهبردهای یاددهی - یادگیری به - کار گرفته شده بستگی دارد (تلخایی، ۱۳۸۵).
 - ۴- روابط میان گروهی: «این روابط شامل روابط بین مدرس و فراگیر و فراگیران با یکدیگر است. در فرآیند آموزش ماهیت این روابط تا اندازه‌های به نوع واکنش مدرس بستگی دارد» (شعبانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱، ب).
 - ۵- ابزار و منابع آموزشی: «ابزار و منابع یادگیری به کلیهی تجهیزات و امکاناتی گفته میشود که میتوانند در محیط آموزشی شرایطی را به وجود آورند که در آن شرایط یادگیری سریعتر، بادوامتر و مؤثرتر صورت گیرد» (همان منبع، ص ۱۲۱).
 - ۶- ارزشیابی پیشرفت تحصیلی: «ارزشیابی پیشرفت تحصیلی عبارت است از سنجش عمل سنجش عملکرد فراگیران و مقایسهی نتایج حاصل با هدفهای از پیش تعیین شده آموزشی به منظور تصمیمگیری دربارهی اینکه آیا فعالیتهای آموزشی معلم با کوششهای یادگیری فراگیر موفقیتآمیز بوده است و به چه میزان؟» (سیف، ۱۳۸۶، ص ۴۱۳).
- بهگفتهی صاحبنظران، قسمت اعظم دانش، مهارتها و نگرشهای مورد نیاز جهت تداوم یادگیری، از طریق فرآیند آموزش کسب، تثبیت و یا تجدید میشود (کندی و همکاران، ۱۹۹۴). علیرغم این نقش مهم، فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی از کفایت و کارایی لازم برخوردار نیست (تاجیک اسماعیلی، ۱۳۸۱). در حال حاضر، آموزش به معنای انتقال دادن و یا دریافت کردن علوم و معارف یا کاربردهای آنها در هر جامعه و در هر عصر تاریخی است. به عبارت دیگر، در این تصور دانش به معنای مجموعهی ایستایی از اطلاعات و مهارتها تلقی میشود که در گذشته و به دست دیگران به اثبات رسیده است و استاد فردی است که این معلومات را از ذهن خود به ذهن دانشجو منتقل میکند. در نتیجه دانشجو فردی است که به نحو کمابیش منفعل این سرمایه را بی کم و کاست و ساخته و پرداخته تحویل میگیرد. وسیلهی مهم این انتقال نیز عمدتاً کتاب و یا وسایلی شبیه به آن است که غالباً از علمی مربوط به گذشته حکایت دارد (کاردان، ۱۳۷۲). در تدریس بیشتر رویکردهای معلم محور مورد توجه و علاقه بوده و عمدتاً از روشسخنرانی به صورت غیرفعال و در نهایت پرسش و پاسخ استفاده میشود. تعاملات میان استاد و دانشجو یک جانبه بوده و استاد عنصر محوری این تعاملات محسوب میشود و میزان تعاملات دانشجویان در سطح پایینی قرار دارد.
- ارزشیابی و اعطای مدرک علمی نیز بر اساس معلومات کلاسی انجام میشود (حیدری، ۱۳۸۳). رهاورد چنین آموزشی، محفوظات پروری در دانشجویان به جای سوق دادن آنان به تفکر، خلاقیت و ابتکار است (حاجی، ۱۳۸۳). این در حالی است که در دنیای جهانی شده و به سرعت در حال تغییر و تحول، یادگیری چگونه یاد گرفتن، حل مسأله، درک و فهم نقادانه، یادگیری آنتیپنر، سواد اطلاعاتی و مهارتهای فراشناختی تنها بخشی از مهارتها و شایستگیهای مورد نیاز دانشجویان برای سازگاری اثربخش با تغییرات است (روشن، ۱۳۷۹). بدیهی است چنین برداشتی از آموزش، نمیتواند دانشجویان به چنین مهارتهایی مجهز کرده و

توانایی لازم را در اختیارشان قرار دهد. لذا، تغییر در فرآیندهای آموزش سنتی بر اساس یادگیری مادام‌العمر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۱-۳ اهداف تحقیق

۱-۳-۱ هدف کلی تحقیق

بررسی فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر یادگیری مادام‌العمر

۱-۳-۲ اهداف جزئی تحقیق

- ۱- بررسی راهبردهای یاددهی- یادگیری در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر
- ۲- بررسی نقش مدرس در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر
- ۳- بررسی نقش فراگیر در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر
- ۴- بررسی ویژگی‌های منابع اطلاعاتی در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر
- ۵- بررسی ویژگیهای تعامل بین مدرس و فراگیر در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر
- ۶- بررسی ویژگیهای تعامل بین فراگیران با یکدیگر در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر
- ۷- بررسی شیوه‌های ارزشیابی در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر

۱-۴ سؤالات تحقیق

۱-۴-۱ سؤال کلی تحقیق:

فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر چگونه است؟

۱-۴-۲ سؤالات جزئی تحقیق:

- ۱- راهبردهای یاددهی - یادگیری در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر چه ویژگیهایی دارد؟
- ۲- نقش مدرس در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر چیست؟
- ۳- نقش فراگیر در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر چیست؟

۴- با توجه به رویکرد یادگیری مادام العمر، منابع اطلاعاتی دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشند؟

۵- تعامل بین مدرس و فراگیر در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام العمر چه ویژگی‌هایی -
هایی دارد؟

۶- تعامل بین فراگیران با یکدیگر در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام العمر چه ویژگی -
هایی دارد؟

۷- چه شیوه‌هایی برای ارزشیابی در فرآیند آموزش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام العمر به کار می -
رود؟

۵-۱ ضرورت انجام تحقیق

«اهمیت و نقش یادگیری در رشد و توسعه فردی و اجتماعی و توجه به ضرورت تداوم آن در طول زندگی انسان نه تنها در جوامع امروزی بلکه در گذشته نیز نظر متفکرین را به خود معطوف داشته است. افلاطون یادگیری مادام‌العمر را در دوهزاروپانصد سال قبل از میلاد مسیح به کار برد. در بیش از هزار و چهارصد سال پیش پیامبر گرامی اسلام (ص) به طلب علم از گهواره تا گور سفارش نمود» (بقراطیان، ۱۳۸۰، ص ۱۵). جارویس در این رابطه مینویسد:

«کاملاً عادی است اگر بگوییم آموزش و پرورش نباید در هنگام فراغت از تحصیل انسان، متوقف شود. عادی بودن این نکته در آن است که هدف سازمان مدرسه، اطمینان از ادامه یادگیری، با سازماندهی توانایی‌هایی است که رشد انسان را تضمین میکند. تمایل به یادگیری از خود زندگی و تبدیل شرایط زندگی به‌گونه‌ای که همه مردم در فرآیند زیستن یاد بگیرند، ظریفترین دستاورد تعلیم و تربیت است» (ترجمه‌ی سرمد، ۱۳۷۸، ص ۵۶).

پس میتوان ادعا نمود، یادگیری مادام‌العمر چالش مهمی است که هر فرد در دنیای قرن بیستویکم با آن روبرو است و رسالت سنگینی را بر دوش نظام‌های آموزشی قرار میدهد. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت از جمله ایکسیا از هو (۲۰۰۱، ص ۶) معتقدند، در واقع میتوان ادعای چارلز همل^۱ مبنی بر آنکه انقلاب ایجاد شده به وسیله‌ی یادگیری مادام‌العمر، وسعتی دارد که می -
تواند با انقلاب کپرنیک مقایسه شود، و این پدیده مؤثرترین حادثه‌های است که در طول تاریخ آموزش و پرورش اتفاق افتاده است. در واقع، یادگیری مادام‌العمر موجب احیای مجدد آموزش و پرورش شده است؛ را پذیرفت. «امروزه یادگیری مادام‌العمر به عنوان پدیده‌ای که دارای اهمیت عمومی در تمام ابعاد حیات جامعه و فرد است، از سوی بسیاری از سازمان‌های جهانی و کشورها پذیرفته شده است. آنها بیش از همه دانشگاه را به عنوان نیروی محرکه‌ی جامعه مورد توجه قرار داده‌اند؛ زیرا از یک طرف، محل کار اندیشمندان است و از طرف دیگر، محل آموزش افراد با استعداد جامعه میباشد» (همان منبع، ص ۳). از آن جا که دانشگاه اولین گام در جهت فهمیدن پیچیدگی‌های رو به رشد رویدادهای جهانی و مقابله با وضعیت نامعلوم آن، و نیز کسب معلومات، کیفیت بخشیدن به حقایق و داشتن نگرش منتقدانه نسبت به جریان اطلاعات است؛ باید برای درک بعداد مختلف یادگیری مادام‌العمر تلاش نماید (نفیسی، ۱۳۷۹). علاوه بر این، باید تا حد ممکن امکان رشد و بالندگی را برای هر یک از اعضای جامعه به ویژه جوانان که مهمترین نقش را در تحقق جامعه‌ی یادگیری بر عهده دارند، فراهم کند. به همین دلیل، آموزش عالی رسالت مهمی در آمادگی افراد در رویارویی با چالش‌هایی دنیای قرن بیستویکم به عهده دارد. این نظام، باید هر چه بیشتر دانشجویان را به دانش، مهارتها

¹-Charls Hemel

- و نگرشهای جامع مجهز سازد. فراتر از آن باید به آنها بینشی بدهد که در سایه‌ی آن بتوانند به یادگیری خود در سراسر زندگی ادامه دهند و در عرصه‌ی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی حضوری فعالتر داشته و به توسعه‌ی فردی خود توجه نمایند. واضح است پرورش چنین افرادی مستلزم تلاش تمام بخشهای آموزش رسمی از پیش دبستانی تا دانشگاه است، اما به دلیل موقعیت جامعه‌ی ما به نظر میرسد پیشگامی آموزش عالی در این زمینه بجا باشد (کریمی، ۱۳۸۲) «زیرا این بخش از نقش ویژه‌ی در توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی جامعه برخوردار است. علاوه بر این، کانون توجه خانواده‌ها و جوانان که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند؛ میباشد. آنان سرمایه‌های بالقوه‌ی هستند که در آینده‌ی نزدیک نقشهای کلیدی جامعه را به عهده خواهند گرفت. برای این منظور نیازمند سرمایه‌های فکری و عملی هستند که آموزش عالی باید در اختیار آنها قرار دهد. بدیهی است هر چه این افراد فرهیخته‌تر، آگاه‌تر و با علوم روز آشنا تر باشند، بهتر میتوانند مسیر جامعه را به سوی آینده‌ی امیدبخشتر باز کنند» (توکل، ۱۳۸۰). این در حالی است که نظام آموزش عالی ایران، علیرغم همه تلاشهای انجام شده، در انجام رسالت خود در سه بعد پژوهش، تولید و اشاعه‌ی دانش و خدمات توفیق چندانی نداشته‌اند. افت تحصیلی در دانشگاهها و خیل عظیم بیکاران دانش‌آموخته دانشگاهی و فراتر از آن فرار مغزها، حاکی از عدم موفقیت دانشگاههای ما در انجام رسالت خود میباشد. دانشگاههای ما هنوز نتوانسته‌اند به مراکز نظریه پردازی، مخزن افکار بدیع و تولید کننده‌ی نیروی انسانی کارآمد تبدیل شوند و منبع پرورش استعدادهای بالقوه به منظور اداری یک کشور با فرهنگ ریشه‌دار و عمیق و مستقل باشند (منصوری، ۱۳۸۰).

- بنابراین، دانشگاههای امروز ما نیازمند بازنگری و آینده‌نگری در سیاستها، تصمیمگیریها و برنامه‌ریزیهای خود به منظور رویارویی منطقی با پدیده جهانی شدن، لزوم حفظ توان رقابت اقتصادی کشور در سطح جهان و حفظ هویت ملی میباشد. دانشگاه باید ایده‌ی یادگیری مادام‌العمر را به عنوان ابزاری برای جبران عقبماندگیها و دستیابی به رشد و توسعه‌ی همه‌جانبه مد نظر قرار دهد. برای این منظور، لازم است تا به بررسی تجارب و نظرات موجود در سطح جهان پیرامون این موضوع پردازند و آن‌ها را متناسب با شرایط کشورمان به‌کار گیرند و هدف پرورش یادگیرنده‌ی مادام‌العمر را به عنوان کلید حل مشکلات جامعه، سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهند (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). محقق به دلیل احساس نیاز به انجام تحقیق در این زمینه و نیز به دلیل علاقه مندی کار و پژوهش در زمینه‌ی یادگیری مادام‌العمر، این موضوع را برای تحقیق خود برگزیده است. بدیهی است انجام پژوهش در زمینه یادگیری مادام‌العمر و شیوه‌های نزدیک شدن و تحقق آن، علاوه بر آن که می‌تواند تصویر دقیقی از فاصله عظیمی که بین وضعیت موجود با وضعیت مطلوب وجود دارد را عیان کند، می‌تواند راهگشای ما برای ایجاد تغییرات در نظام آموزشی به منظور دستیابی به هدف پرورش یادگیرنده‌ی مادام‌العمر باشد.

۶-۱ تعریف اصطلاحات نظری و عملیاتی

مراکز آموزش عالی:

«مؤسسه‌های است که از بین دارندگان دیپلم متوسطه یا بالاتر، دانشجو میپذیرد و به دانش‌آموختگان خود مدرک کاردانی و یا بالاتر میدهد. مراکز آموزش عالی با توجه به دامنه و حجم فعالیت خود به یک آموزش‌کننده مستقل، یک دانش‌کننده مستقل، یک مؤسسه‌ی آموزش عالی مستقل و یا یک دانشگاه اطلاق میشود» (قانع‌ی راد، ۱۳۸۰، ص ۳)

یادگیری مادام‌العمر: